

پنج راهکار کلیدی برای دفاع از ارزش‌های اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین میرتقی قادری*

اشاره

همان‌گونه که پابندی به ارزش‌های اسلامی بیانگر مراتب ایمان و باورمندی هر مسلمان است، دفاع و مراقبت از ارزش‌های اسلامی همچون ولایت و ولایت‌مداری، حریت و آزادی، عدالت و عدالت‌خواهی، کرامت و کرامت‌جویی و نیز عفت و پوشش اسلامی در جایگاه خود نشان از تکلیف‌مداری هر مسلمان دارد، ولی آنچه مهم است نوع و روش و سبک مراقبت و دفاع از ارزش‌های اسلامی است. در این نوشتار با تأمل در سیره عملی و خطبه‌های حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام پنج راهکار برای دفاع و مراقبت از ارزش‌های اسلامی مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد.^۱

راهکار نخست: وحدت‌نظر نخبگان و خواص جامعه

نخستین راهکار برای دفاع از ارزش‌های اسلامی، وحدت‌نظر نخبگان و خواص است؛ زیرا آنان در فکر و عمل افراد جامعه تأثیرگذارند. حال اگر آنان با عوامل ضد ارزش همراه شوند و یا توجیه‌کننده رفتار زشت آنان و یا عافیت‌طلب باشند و گروه خونی آنان با همه سازگار باشد، به یقین دفاع از ارزش‌های اسلامی به نتیجه نمی‌رسد. از همین‌روست که حضرت زهرا علیها‌السلام در قیام خود ابتدا به سمت انصار که از خواص جامعه بودند، رفت و آنان را در خطبه فدکیه مورد خطاب قرار داد و از آنان خواست که به میدان بیایند و از اعتبارشان در بسیج عمومی علیه سران سقیفه استفاده کنند. حضرت خطاب به انصار فرمود:

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. این یادداشت در مکه مکرمه و در ایام حج تمتع در فرصت به دست آمده مابین انجام عمره تمتع و حج تمتع و پس از طواف مستحبی به نیابت امام‌حسین علیه‌السلام و اصحابش نوشته شده است.

أَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ، وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ، تُوَاپِكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِيثُونَ (تُعِينُونَ)، وَ أَنْتُمْ مُؤْصِفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَ التُّحْبَةُ الَّتِي انْتَحَبْتَ وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِیرْتَ؛ شما دارای نفرات کافی و تجهیزات و نیروی وسیع و سلاح و سپر هستید، دعوت مرا می شنوید و لیبک نمی گوید؟ و فریاد من در میان شما طنین افکن است و به فریاد نمی رسید؟ با این که شما در شجاعت زبانزد می باشید و در خیر و صلاح معروفید، و شما برگزیدگان اقوام و قبائل هستید.

کسی که در دفاع از ارزش‌های اسلامی عذر و بهانه می‌آورد و اقدامی نمی‌کند، عذر و بهانه‌اش در صورتی مقبول و پذیرفتنی است که ضعف و ناتوانی داشته باشد. حضرت زهرا علیها السلام با پرسش از علت عذر و بهانه نصار خطاب به آنان می‌فرماید اگر عذر و بهانه‌تان به سبب نیاز به نیروی انسانی است، آن را دارید. اگر نیازمند به سلاح و سپر هستید، سلاح و سپر دارید. اگر مسئله قدرت مادی و اقتصادی باشد، آن را نیز دارید؛ پس دیگر عذر و بهانه‌ای برایتان باقی نمی‌ماند که با تمامی استعدادها و بالفعل و توانمندی‌هایتان دعوت ما را اجابت نمی‌کنید. فریادها و ناله‌ها را می‌شنوید و کمکی نمی‌کنید؛ در حالی که شما آدم‌های خوش‌نام و معتبری هستید.

امام حسین علیه السلام در سال ۵۸ هجری و دو سال پیش از شروع نهضت کربلا ابتدا به سراغ نخبگان و خواص رفت و در منا میان جمع هفتصد تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را با ویژگی‌های خاصی مورد خطاب قرار داد و از آنان خواست که به دفاع از ارزش‌های اسلامی برخیزند. حضرت به آنان فرمود:

أَنْتُمْ أَيْتُّهَا الْعِصَابَةُ عِصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَ بِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَ بِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَ بِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ وَ يُكْرَهُكُمْ الضَّعِيفُ وَ يُؤْتِرُكُمْ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَلَابِهَا وَ تَمَشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَ كِرَامَةِ الْأَكَابِرِ أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا نَلْتُمُوهُ بِمَا يُوجِبِي عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْضُونَ فَاسْتَحْفَفْتُمْ بِحَقِّ الْأَيْمَةِ فَأَمَّا حَقُّ الضُّعَفَاءِ فَضَيْعْتُمْ؛^۲ شما ای گروه دانشوران و ای کسانی که در دانش و علم، شهره شهرهای خویش هستید و در اندررگویی و خیرخواهی و نیک‌نامی زبانزد خاص و عام! به پاس آنکه نام خدا را بر لب دارید و راه او را در پیش، در دل مردم شکوه و حرمت یافته‌اید؛ به‌گونه‌ای که توانمند و

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۹، ص ۲۲۸.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

برخوردار از شما حساب می‌برد و ناتوان و نیازمند گرامی‌تان می‌دارد. کسی که بر او نه برتری دارید و نه ریاست، شما را بر خود برتری می‌بخشد و مقدم می‌دارد و توانگران و برخورداران جامعه به اشاره شما خواسته نیازمندان را بر می‌آورند.

شهرت داشتن به عم و دانش، از آن‌ها به نیکی یاد کردن، شناخته شدن به خیرخواهی و اندرزگویی، صاحب احترام خاص و ویژه در میان مردم، دارای جایگاه و اعتبار در میان مردم، مورد اعتماد مردم و ارزشمند بودن نزد آنان و مرجع حل مشکلات مردم، ویژگی‌هایی است که امام علیه السلام برای آنان بر می‌شمارد و سپس آن‌ها را درباره کوتاهی در یاری امر خدا و ارزش‌های الهی سرزنش می‌کند. روح و جان و پیام کلام امام حسین علیه السلام این است که پایه اصلی در دفاع از ارزش‌های اسلامی، همسویی نخبگان و خواص جامعه است. اگر آنان از اعتبار خود در حمایت از مدافعین ارزش‌های اسلامی استفاده کنند و خود از پیشگامان در این حرکت باشند، این دفاع به نتیجه عملی و عینی می‌رسد؛ در حالی که اگر آنان توجیه‌گر رفتارهای ضد ارزشی باشند، قطعاً این حرکت به سکون تبدیل خواهد شد.

راهکار دوم: افشای دست‌های پنهان و پنهان ضد ارزش‌ها

دومین راهکار در تقابل با ضد ارزش‌ها و دفاع از حریم و حرمت ارزش‌های اسلامی، افشای دست‌های پنهان و پنهان ضد ارزش‌ها و رو کردن چهره‌گیریم شده آنان است؛ چنانکه بخش مهمی از نامه‌ها و خطبه‌های امام حسین علیه السلام به همین افشاگری اختصاص دارد. امام علیه السلام در نامه خود به نخبگان بصره این چنین نوشتند: «وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَفْرَى أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرِّشَادِ^۱ و شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرا می‌خوانم. به راستی که سنت از میان رفته است و بدعت‌ها زنده شده‌اند. اگر سختم را بشنوید و از فرمانم پیروی کنید، شما را به راه درست هدایت می‌کنم».

امام علیه السلام سپاه را مورد خطاب قرار داد و دست همه آنان را در تحکیم ضد ارزش دینی که حاکمیت بنی‌امیه است، رو کرد و فرمود:

ای مردم! شما جمع شده‌اید برای یاری و نصرت آنان که دشمن شمایند (بنی‌امیه) و بر ضرر و

۱. محمد بن علی ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۳۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

هلاکت آن کسانی که در حقیقت دوستان و خیرخواه شما هستند (اهل بیت علیهم‌السلام)، با آنکه بنی‌امیه هیچ عدل و دادی در میان شما واقع نساختند و هیچ‌گونه آرزوی شما را بر نیاوردند؛ ... خداوند شما را از رحمت خود دور کند ای ناآزادمردان این امت و بی‌نام و ننگان طوایف (یا باقیماندگان جنگ احزاب) و بی‌اعتنایان به کتاب خدا و تحریف‌کنندگان کلمات حق و خویشاوندان گناه و ریزش‌های آب دهان شیطان و خاموش‌کنندگان چراغ‌های سنت و هدایت. آیا این جماعت بنی‌امیه را مددکارید و از نصرت چون ما اهل بیت دوری می‌جوئید؟ همانا کار شما همین است. به خدا سوگند که غدر و مکر شما قدیمی است و بیخ درخت وجودتان بر غَداری بسته شده و بر مکاری شاخه برآورده است.

نامه‌ها و سخنان نورانی امام حسین علیه‌السلام بیانگر آن است که دفاع از ارزش‌های اسلامی باید همراه با افشا کردن چهره‌هایی باشد که ضد ارزش‌ها را حمایت و پشتیبانی می‌کنند و با برملا کردن دست‌های پیدا و پنهان آنان، می‌توان ارزش‌های اسلامی از دست رفته را به جای خودش بازگرداند.

راهکار سوم: چینش صحیح مدافعین ارزش‌ها

سومین راهکار برای دفاع از ارزش‌های اسلامی در مکتب و سیره حسینی، چینش صحیح مدافعین ارزشی است؛ به این معنا که کلید موفقیت در تقابل با نیروهای ضد ارزشی، به کارگیری درست مدافعین است که موجب می‌شود ضد ارزشی‌ها مورد اقبال مردم واقع نشوند. از همین‌رو بود که امام حسین علیه‌السلام از مدینه تا کربلا هرگز از عبدالله بن عباس، محمد حنفیه و عبدالله جعفر با همه وجاهت و جلالت‌شان نمی‌خواهد که با ایشان همراه شوند؛ چراکه می‌دید آنان در مقابله با حاکمیت بنی‌امیه منطقی غیر از منطق امام دارند و همراهی آنان جز ایجاد تردید در دیگران، سودی ندارد و نهضت را در مقابله حاکمیت ضد ارزش ناکام می‌کند. این در حالی است که بانویی چون زینب کبری علیه‌السلام و شخصیتی همچون حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام و حضرت علی اکبر علیه‌السلام و حتی وهب مسیحی و زهیر عثمانی را که باورمند به راه و مرامش بودند، همراه خود نمود و هر یک را در جای خودش قرار داد. امام علیه‌السلام با چنین چینش صحیحی توانست در دفاع از ارزش‌های اسلامی، نهضت ماندگاری را رقم بزند. این سیره امام علیه‌السلام، پیام و درسی برای امروز ماست که در دفاع از ارزش‌ها باید نیروها به درستی بکار گرفته شوند، یعنی نیروی امنیتی کار امنیتی و نیروی فرهنگی کار فرهنگی انجام دهد.

راهکار چهارم: هزینه از جان و استقبال از شهادت

چهارمین راهکار در دفاع از ارزش‌های اسلامی، هزینه از جان و استقبال از شهادت است؛ به این معنا که در مواردی ضد ارزش‌ها آن‌چنان در جامعه گسترش پیدا می‌کند و نهادینه می‌شوند که تنها راه مقابله با آنها گذشت از جان، مال و فرزند است. تنها با چنین فداکاری و گذشتی است که جامعه تکان می‌خورد و به خود می‌آید؛ همان‌گونه که امت اسلامی تا پیش از واقعه عاشورا در ایست کامل قرار داشت و همه می‌دیدند که ضد ارزش‌ها آن‌چنان توسعه پیدا کرده است که یزید بن معاویه به عنوان خلیفه رسماً و به صورت علنی مشروب می‌خورد و ارزش‌های اسلامی را به تمسخر می‌گیرد، ولی کسی اعتراض نمی‌کند؛ در حالی که پس از واقعه عاشورا و جانبازی امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفای ایشان در سال (۶۳) در مدینه جنبش علیه بنی‌امیه به راه می‌افتد و قیام حره به وجود می‌آید. در سال (۶۵) نیز قیام توابین در کوفه شکل می‌گیرد و در سال (۶۶) قیام مختار در کوفه رخ می‌دهد و قیام بعد از قیام، خواب را از چشم حاکمیت بنی‌امیه می‌رباید. از همین رو حضرت سیدالشهدا علیه السلام هنگامی که آهنگ رفتن به سوی عراق را نمود، در مکه مکرمه برای ایراد خطبه ایستاد و تنها راهکار مقابله با حاکمیت بنی‌امیه را شهادت و گذشت از جان دانست:

الْحَمْدُ لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي رَسُوْلِهِ. خُطِّبْتُ الْمَوْتُ عَلَي وُلْدِ
ءَادَمَ مَخَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَي جِيْدِ الْفِتَاةِ. وَمَا أَوْلَهْنِي إِلَي أَشْلَافِي اِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَي يُوْسُفَ.
وَ خَيْرٌ لِي مَضْرَعٌ أَنَا لِأَقْبِيهِ؛ كَأَنِّي بَأَوْصَالِي تَنَقَّطُهَا عُسْلَانُ الْفَلَواتِ بَيْنَ التَّوَاوِيْسِ
وَ كَوْبَلَاءَ؛ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا، وَأَجْرِبُهُ سُعْبًا. لَا مَجِيْصَ عَنِّي يَوْمَ خُطِّبْتُ بِالْقَلَمِ.
رِضَا اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ نَضْبِرُ عَلَي بِلَائِيهِ، وَ يُؤَقِّفِنَا أَجْوَرَ الصَّابِرِيْنَ. لَنْ تُشَدَّ عَنِّي
رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ لِحُمْنِي، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيْرَةِ الْقُدْسِ، تَقْرَأُ بِهِمْ
عَيْنُهُ، وَ يُجْزَأُ لَهُمْ وَ عُدَّةٌ. مَنْ كَانَ فِينَا بِإِذْنِ مُهْجَتِهِ، وَ مَوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيُرْحَلْ
مَعَنَا؛ فَإِنِّي رَاحِلٌ مُضِيْحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛^۱ حمد و سپاس سزاوار خداست. آنچه را که
خدا بخواهد، خواهد شد و قوه و قدرتی نیست، مگر به خدا و درود بر رسول و فرستاده او باد!
مرگ بر فرزندان آدم به مثابه گردن‌بند بر گردن دختر جوان کشیده و بسته شده است و من در آرزو
و اشتیاق ملاقات و دیدار رفتگان از خاندان خود هستم؛ همانند اشتیاقی که یعقوب به دیدار

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵؛ جعفر بن محمد ابن‌نما حلی، مشیر الأحزان، ج ۱، ص

یوسف داشت و برایم جایی معین و انتخاب شده است که باید بیکرم در آنجا بیفتد و من باید به آنجا برسم. گویا می بینم که بندبند مرا گرگان بیابان بین نوایس و کربلا از هم جدا می سازند و از من شکمبه های تهی خود را پر می کنند و انبان های گرسنه خود را سرشار می نمایند. فرارگاهی نیست از روزی که در قلم تقدیر گذشته است. رضای خدا، رضای ما اهل بیت است. بر امتحانات و بلاهای او شکیبایی می نمایم و او اجر و مزد شکیبایان را به طور کامل به ما عنایت خواهد نمود. پاره تن رسول خدا ﷺ از او دور نمی شود، در بهشت به او می پیوندد، باعث روشنی چشم او و انجام شدن وعده اش می شود. (وعده ای که خداوند به رسول اکرم ﷺ پری اقبایش داده است، منجز و محقق می گردد) پس کسی که در میان ماست و حاضر است جان خود را ایثار کند و خون دل خود را فدا نماید و برای لقای خدا نفس خود را آماده نموده است، با ما کوچ کند که من در صبحگاهان عازم رحیل هستم.

همچنین هنگامی که در مقابل سپاه کوفه قرار گرفت، بر این راهکار تکیه کرد و خطاب به آنان فرمود:

إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَتَكَبَّرُ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا ضَبَابَةٌ كَضَبَابَةِ الْإِنْسَاءِ وَ حَسْبُ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ حَدِيثًا لَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَبْتَنَاهِي عَنْهُ لِيُرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛^۱ به راستی که این دنیا دگرگونه شده و چهره عوض کرده و خوبی هایش پشت کرده و رفته است و از آن، جز ته مانده ای همچون ته مانده آبی در ظرفی و اندک عیشی همانند چراگاهی آفت زده باقی نمانده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟ به راستی که مؤمن باید به [مرگ و] دیدار خدا روی آورد. پس من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنج و ملال نمی بینم.

راهکار پنجم: حضور زنان فرهیخته

پنجمین راهکار برای دفاع از ارزش ها، حضور زنان فرهیخته است؛ چرا که زنان سهم عمده و نقش کلیدی در دفاع از ارزش ها دارند؛ چنانکه مردانی که در چنین صحنه هایی حضور می یابند و هزینه آن را با گذشت از جان می پردازند، پرورش یافتگان همین زنان هستند. از همین روست که واقعه عاشورا تنها از جنس مذکر نیست که تنها مردان نقش آفرین این صحنه بی بدیل باشند و

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۳۹.

نیز تنها از جنس مؤنث نیست که فقط زنان نقش آفرین این صحنه باشند؛ بلکه مردان و زنان دوشادوش هم حضور دارند و هر یک نقش متناسب خود را ایفا می‌کنند. اگر مردان علت مُحدثه واقع‌اند، زنان علت مُبقیه آن هستند و حضرت زینب کبری علیها السلام، عقیده بنی‌هاشم است که در شام با خطبه آتشین و تازیانه سخنانش، یزید بن معاویه را تحقیر می‌کند و خطاب به وی می‌گوید:

وَ لَئِنْ جَرَّتْ عَلَيَّ الدَّوَاهِي مُخَاطَبَتِكَ، إِنِّي لَأَسْتَضِعُّ قَدْرَكَ، وَ أَسْتَعِظُمُ تَقْرِيعَكَ، وَ أَسْتَكْتَبِرُ تَوْبِيخَكَ، لَكِنَّ الْعُيُونَ غَبْرَى، وَ الضُّدُورَ حَزَى، أَلَا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِقَتْلِ حِزْبِ اللَّهِ النَّجْبَاءِ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطُّلَقَاءِ، فَهَذِهِ الْأَيْدِي تَنْطِفُ مِنْ دِمَائِنَا، وَ الْأَفْوَاهُ تَتَحَلَّبُ مِنْ لُحُومِنَا، وَ تَلِكَ الْجُنُتُ الطَّوَاهِرُ الزُّوَائِي تَتَنَابَهَا الْعَوَاسِلُ، وَ تُعَفِّرُهَا أَهْمَاتُ الْفِرَاعِلِ. وَ لَئِنْ اتَّخَذْتَنَا مَغْنَمًا لَتَجِدَ بِنَا وَ شَيْكَأً مَغْرَمًا حِينٍ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ، وَ مَا رُبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ، وَ إِلَى اللَّهِ الْمُسْتَكِي، وَ عَلَيْهِ الْمَعْوَلُ...^۱ اگر مصیبت‌های بزرگ روزگار کارم را به اینجا کشانده که با تو سخن بگویم، ولی [بدان] من به یقین ارزش تو را کوچک و ناچیز و سرزنش تو را بزرگ می‌شمارم و فراوان تو را توبیخ می‌کنم، ولی چه کنم که دیده‌ها گریان و سینه‌ها سوزان است. جای شگفتی بسیار است که گروهی الهی و برگزیده، به دست حزب شیطان و بردگان آزادشده کشته شوند و خون‌های ما از این پنجه‌ها [ی ناپاک] بچکد و پاره‌های گوشت ما از دهان [ناپاک] شما بیرون بیفتند و شما گرگ‌های وحشی پیوسته به سراغ آن بدن‌های پاک و پاکیزه آید و بچه‌کفتارها آن‌ها را به خاک بمالند؟ اگر امروز [پیروزی بر] ما را غنیمتی برای خود می‌دانی، به زودی آن را غرامت [و مایه زیان] خود خواهی یافت؛ در آن روز که جز محصول کرده خویش را نخواهی یافت و هرگز پروردگار به بندگانش ستم نخواهد کرد. من فقط به خدا شکوه می‌کنم و تنها بر او اعتماد می‌نمایم.

حضرت زینب علیها السلام پس از تحقیر کردن یزید، پرچم فتح و پیروزی حضرت سیدالشهدا علیه السلام را در پیش چشم حاکمیت بنی‌امیه به اهتزاز درآورد و خطاب به یزید فرمود:

فَكَيْدُ كَيْدِكَ، وَ أَسْعَ سَعْيِكَ، وَ نَاصِبُ جُهْدِكَ، فَوَاللَّهِ لَا تَمَحُو ذِكْرَنَا، وَ لَا تُمِيتُ وَحِينَنَا، وَ لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا، وَ لَا تَرَحُّصُ عَنَّا عَارَهَا، وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلَّا قَتْدًا، وَ أَيَّامَكَ إِلَّا عَدَدًا، وَ جَمْعَكَ إِلَّا بَدْدًا؟ يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي: أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي خَتَمَ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ لِأَخْرَانَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ. وَ نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمْ

۱. ر.ک: سید عبدالرزاق موسوی مفرم، مقتل الحسين، ص ۳۵۹-۳۵۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۵،

ص ۱۳۵-۱۳۱؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۲۲.

التَّوَابِ، وَ يُوجِبُ لَهُمُ الْمَزِيدَ، وَ يُحْسِنُ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ، إِنَّهُ رَحِيمٌ وَدُودٌ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ؛^۱ [ای یزید] هر چه نیرنگ داری، به کار بند و نهایت تلاشت را بکن و هر کوششی که داری، به کار گیر؛ اما به خدا سوگند [با همه این تلاش‌ها] یاد ما را [از خاطره‌ها] محو نخواهی کرد و [چراغ] وحی ما را خاموش نتوانی نمود و به موقعیت و جایگاه ما آسیب نخواهی رساند. هرگز لکه ننگ این کار از تو پاک نخواهد شد. رأی و نظرت سست و زمان دولت تو اندک است و جمعیت تو به پراکندگی خواهد انجامید، در آن روز که منادی ندا دهد: لعنت خدا بر ظالمان باد. حمد و ستایش ویژه خداوندی است که پروردگار جهانیان است؛ همان که آغاز کار ما را به سعادت و مغفرت و پایان کار ما را به شهادت و رحمت رقم زد. از خداوند برای آن شهیدان پاداش کامل و افزودن بر پاداش‌ها می‌طلبم و [از او می‌خواهم که] ما را جانشین نیک آن‌ها قرار دهد. او مهربان و دوستدار است و خداوند ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.

امروز نیز اگر بخواهیم در مقابله با تهاجم فرهنگی و گسترش ضد ارزش‌ها در جامعه پیروز شویم، یکی از کلیدی‌ترین راهکارها به صحنه آوردن زنان فرهیخته و فهیم است؛ چرا که آنان با ظرفیت‌های متناسب خودشان زمینه فتح و پیروزی را فراهم خواهند کرد.

فهرست منابع

۱. ابن‌اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.
۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه المدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن‌نما حلی، جعفر بن محمد، مثير الأحران، قم: مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۶ق.
۴. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمه فی معرفة الأئمة عليهم السلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، بیروت: دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸. موسوی مقرر، سید عبدالرزاق، مقتل الحسین، قم: مؤسسه البعثه، بی‌تا.